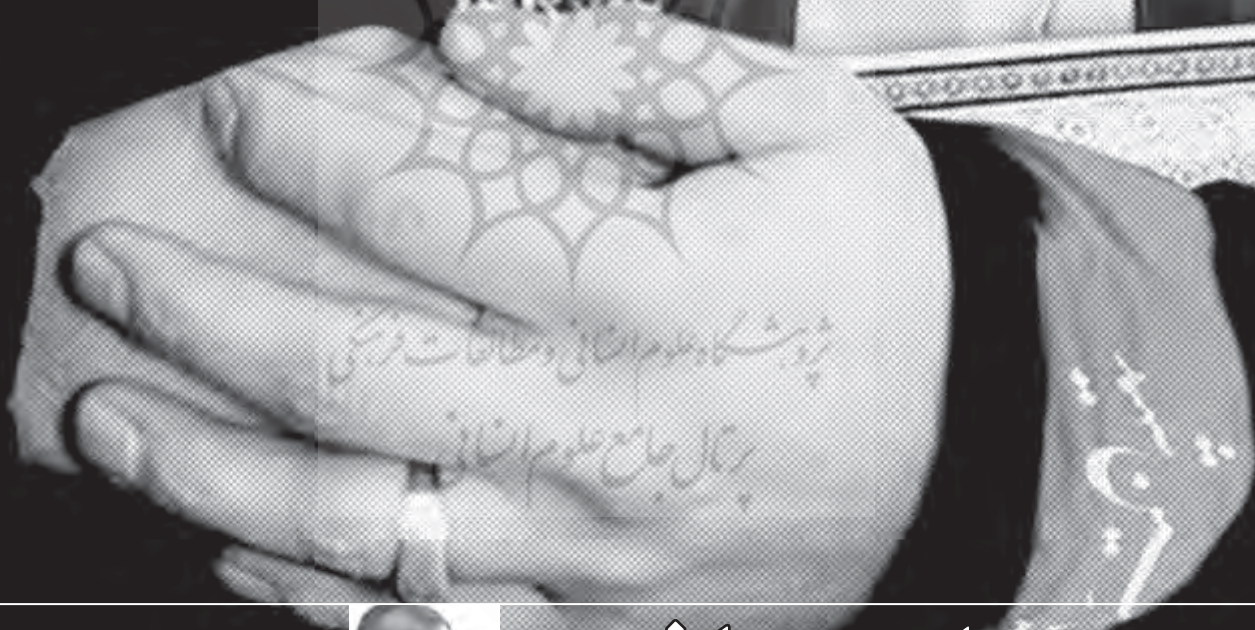


اشاره
فتنه بزرگ پس از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری که بسیار گسترده گردید، باید به نحو مطلوب مدیریت و کنترل می‌شد. وقتی نیروی انتظامی با همه توانمندی خود و انجام ساز و کارهای گوناگون، نتوانست به تنهایی از پس ماجرا برآید، نیروی مقاومت بسیج بسان بازوی توانمند در کنار آن قرار گرفت تا از ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی دفاع کند. آنچه می‌خوانید، سخنرانی سردار عراقی جانشین فرمانده نیروی زمین سپاه پاسداران، درباره اغتشاشات مربوط به انتخابات و پاسخگویی به برخی سؤالات مردم است.



در رویارویی با فتنه

سردار عبدالله عراقی

همه باید پیرو ولایت فقیه باشند

نقش سپاه در رویارویی با اغتشاشات اخیر چه بوده است؟ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج، بر اساس تعریف قانون اساسی کشور، حافظ انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن است. هر کجا انقلاب اسلامی تهدید بشود، بر اساس فرمان رهبری سپاه و بسیج وارد عمل می‌شود. سه وضعیت در کشور ممکن است داشته باشیم؛ یک وضعیت، وضعیت سفید است؛ یعنی هیچ خبری نیست. نیروی انتظامی فعالیت خودشان را انجام می‌دهند، کلاتری‌ها، راهنمایی و رانندگی و پلیس امنیت و وظیفه جاری خود را انجام می‌دهند. یک وضعیت، وضعیت زرد است؛ آن هم این است که مثلاً وقتی شهرداری صدتا خانه را خراب کرده؛ یکی دو هزار نفر انسان اغتشاش می‌کنند، بانک آتش می‌زنند و ... به این وضعیت می‌گویند وضعیت زرد. این‌جا نیروی انتظامی مأموریت و وظیفه انتظامی خود را انجام می‌دهد. یک زمان وضعیت قرمز است. وضعیت قرمز زمانی است که نیروی انتظامی وضعیت زرد را نتوانسته جمع کند، دامنه اغتشاشات گسترش پیدا کرده و دارد در سطح شهر توسعه پیدا می‌کند، ادارات دولتی را آتش می‌زنند، به وزارخانه‌ها حمله می‌کنند به فرمانداری، استانداری، مراکز نظامی و بازار حمله می‌کنند که اگر دامنه آن جمع نشود، همه شهر را فرامی‌گیرد. در ایام ما هر سه وضعیت را داشتیم.

در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و بعد از آن، حضور طرفداران آقایان موسوی و کروبی و رضایی و احمدی‌نژاد تا روز بیستم و بعد از آن در خیابان‌ها مسالمت‌آمیز بود. یکی روی دستش پرچم کشیده بود و یکی هم سبزه کرده بود. اینها هر دو دستشان را به صورت هم می‌مالیدند، ولی همدیگر را نمی‌زدند. شب ۲۱ و ۲۲ خرداد دو شب کاملاً آرام در تهران داشتیم. طرفداران نامزدها کاملاً



رعایت کردند.

پیش‌بینی می‌شد که سه وضعیت در انتخابات پیش بیاید: یا آقای موسوی برنده بشود یا آقای احمدی‌نژاد یا به دور دوم کشیده بشود. به غیر

این هم کسی پیش‌بینی نمی‌کرد. طرفداران آقای موسوی اعلام کرده بودند که اگر آقای موسوی پیروز بشود، ساعت ۱۲ شب، جلوی وزارت کشور یک تجمع بزرگ و یک جشن پیروزی سراسری اعلام خواهیم کرد. آقای موسوی در مصاحبه‌ای پیروزی زودرس خود را اعلام کرد و رادیوی‌های بیگانه و رسانه‌های غربی هم همزمان گفتند که اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد که آقای موسوی



صد درصد پیروز است. طرفداران ایشان بیانند و جلوی وزارت کشور جشن بگیرند. این موضوع را آقای موسوی هم خودش اعلام کرد. فیلم آن هم موجود است و ما هم داریم. این در وضعیت اول بود که به هر حال اگر آنها برنده انتخابات می‌شدند، مطالبات بسیار سنگین و کم‌کم انتظاراتی مانند تغییر قانون اساسی و خیلی چیزهای دیگر که در ذهنشان بود، طلب می‌کردند.

احتمال دوم این بود که اینها پیروز نشوند و آقای احمدی‌نژاد پیروز بشود. در این صورت هم اینها می‌آیند و اغتشاش می‌کنند. وقتی کاندیدا به طرفدارانش می‌گوید که شما پیروز هستید، این‌ها اگر پیروز هم نشوند، در خیابان‌ها خواهند ریخت. همه این‌ها هم که آدمهای مسئله‌داری نبودند. آن‌ها یک سازمانی در کشور راه انداختند به نام سازمان طرفداران آقای موسوی. ارتباطات خیلی قوی دارند و به راحتی همه همدیگر را خبر می‌کنند و در زمان و مکان مشخص راحت می‌توانند جمع بشوند. همه این‌ها را به خیابان‌ها کشاندند. در مراحل اولیه وقتی به این‌ها گفتند اگر تقلب نشود شماها پیروز هستید و آقای موسوی اول می‌شود، این‌ها تجمع می‌کردند و شعار می‌دادند. اکثر طرفداران آقای موسوی باور کردند که پیروزی از آن اینهاست و اگر پیروز نشوند حتماً غل و غشی وارد شده است.

از ۱۲ شب روز انتخابات به آن طرف برآوردهای اطلاعاتی نشان می‌دهد که آرا مال چه کسی است. برآوردها این بود که در تهران آقای موسوی رأیش بیشتر است، اما از کل کشور خبرها می‌آمد که بعضی جاها تا ۸۰ - ۹۰ درصد به آقای احمدی‌نژاد رأی دادند. در تهران بزرگ آقای موسوی دویست میلیون و دویست هزار رأی آورد و آقای احمدی‌نژاد یک میلیون و هشتصد هزار رأی. کسی در تهران نگفت که آقای احمدی‌نژاد رأیش بیشتر از آقای موسوی است. وقتی



آنهایی که در تهران بودند، خبر دارند که از زمان تحویل تهران به بسیج، کاملاً امنیت برقرار شد.

اینها فهمیدند که رأیشان کم است، شب ۲۳ خرداد ماه یعنی همان عصر روز جمعه جلوی وزارت کشور تجمع کردند. یگان ویژه نیروی انتظامی اینها را پراکنده کرد. آن‌ها رفتند در خیابان زرتشت غربی جلوی ستاد موسوی جمع و سپس با نیروی انتظامی درگیر شدند. درگیری به خیابان‌های فرعی کشیده شد و آتش زدن سطل‌های زباله و تخریب بانک‌ها شروع شد. ما

در این مرحله که وضعیت زرد است، مأموریت نداریم. در وضعیت زرد، وظیفه کنترل برعهده نیروی انتظامی است. بر اساس مصوبات شورای امنیت ملی و بنا به درخواست نیروی انتظامی مبنی بر عدم توان در کنترل اوضاع، کتابا به ما اعلام کمک شد و ما هم در هر ناحیه‌ای از تهران، دو گردان عاشورا به اینها دادیم، اما همچنان مسئولیت با نیروی انتظامی بود. این وضعیت روزهای ۲۴ و ۲۵ خرداد هم ادامه پیدا کرد. تهران شب‌ها یک شهر جنگ زده می‌شد؛ سطل‌ها همه آتش می‌گرفت، شیشه‌های بانک‌ها و ادارات دولتی می‌شکست و درگیری‌های بسیار سنگین و نامنی ایجاد می‌شد. روز بیست و پنجم اعلام کردند که نیروی انتظامی قادر به مهار اغتشاشات نیست و بسیج باید وارد عمل شود. از فردای آن روز که اعلام وضعیت قرمز شد، ما مأموریت را به عهده گرفتیم. ۲۰ درصدی درگیری بود که کاملاً فروکش کرد؛ چون بسیج به صورت گسترده همه جا حضور پیدا کرد. روزهای ۲۷ تا ۳۰ خرداد، تهران شب‌ها کاملاً امن بود. آنهایی که در تهران بودند، خبر دارند که از زمان تحویل تهران به بسیج، کاملاً امنیت برقرار شد.

درگیری‌ها دو وضعیت داشت: یک وضعیت اغتشاشات بود؛ مانند آتش زدن سطل‌های زباله و تخریب‌ها و ضرر و زیان‌هایی که وارد می‌شد. تصمیم نظام بر این بود که باید جلوی این‌ها را گرفت. مردم هم مراجعه می‌کردند که پس کجا هستند این بسیجی‌ها؟ شهر ناامن شده بود. در همین میدان هفت تیر، پسر شهید بهشتی در ساختمان ۵-۶ طبقه دوربین گذاشته بود و مستقیماً این درگیری‌ها را به صورت آنلاین برای ماهواره



می‌فرستاد. سند داریم و این یک ادعا نیست. تمام دنیا داشتند اینها را هدایت می‌کردند که یک انقلاب آرام و بدون خونریزی

در ایران در حال شکل گرفتن است.

یک شکل دیگر این درگیری‌ها، راهپیمایی‌های آرام بود. یک سری اغتشاشات به صورت راهپیمایی‌های آرام که بزرگترینش در ۲۵ خرداد بود. جمعیت کمتر از ۱۰۰ هزار نفر نبود. از کالج شروع شد و به سمت میدان انقلاب و سپس میدان آزادی جلو رفتند.

یک درگیری همان روز در حوزه ۱۱۷ بسیج رخ داد که درب پایگاه را هم آتش زدند، ولی بچه‌ها تیراندازی نکردند. در مدت سه و نیم ساعت، پنج هزار نفر حمله می‌کنند که در حیاط این حوزه، ۷۰ سانتی متر سنگ و شیشه شکسته جمع شده و فیلمش موجود است. خانم‌ها می‌آیند با کوله‌پشتی سنگ و بطری‌ها را می‌آورند و آقایان هم پرتاب می‌کنند.

در این مدت جنگ و گریز، اگر فرماندهی توانمندی آنجا نبود، باید ۳۰۰ الی ۵۰۰ نفر کشته می‌شدند، اما این‌گونه نشد. منافقین سوار کار شده بودند. همه آمده بودند و دست به دست هم داده بودند و این کارها را می‌کردند. روز سی خرداد یک جمعیت هزار نفری شکل گرفته بود. با بلندگو اعلام کردم پراکنده بشوید. همه رقم آدم هم در بین آن‌ها بود؛ خواهران حزب‌اللهی با مقنعه و چادر و خانم‌های مانتویی هم با وضع‌های مختلف. آن‌جا اولین درگیری شروع شد. نیروی انتظامی گاز اشک‌آور زد و بعد هم بچه‌های بسیج گاز اشک‌آور زدند. آن گروه به سمت خیابان‌های غربی کارگر شمالی پراکنده شدند. از آنجا دیگر سنگ‌پراکنی از بالای ساختمان‌ها شروع شد. ۶۰۰ نفر بسیجی سر و پا و دستشان شکست. ۲۰۰ نفر از این‌ها در بیمارستان بستری شدند. در این وضعیت ناجا درگیر شد. در یک فضای بسیار گسترده همه جا هم درگیری سنگین بود.

ساعت ۹/۵ شب تقریباً درگیری‌ها تمام و وضعیت سفید اعلام شد. بعضی از جاها هنوز داشت سطل‌های زباله می‌سوخت، ولی نه نیروهای بسیج بودند، نه نیروی انتظامی بود و نه اغتشاشگران حضور داشتند. قاعدتاً یک تعدادی دستگیر، عده‌ای زخمی و تعدادی هم در بعضی جاها کشته شدند. مثلاً همین خانم ندا آقاسلطان آن ساعتی که کشته شده، در خیابان فرعی روبه‌روی کوی دانشگاه بوده که اصلاً نه نیروی انتظامی آنجا بوده، نه نیروهای بسیج بودند. از آن لحظه‌ای که



سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج، بر اساس تعریف قانون اساسی کشور، حافظ انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن است.

طرفداران آقای موسوی اعلام کرده بودند که اگر آقای موسوی پیروز بشود، ساعت ۱۲ شب، جلوی وزارت کشور یک تجمع بزرگ و یک جشن پیروزی سراسری اعلام خواهیم کرد.

است. کلاه، باتوم، ماسک، سلاح پرتاب کننده نارنجک، گاز اشک آور و... هم به او می دهند. ماشین هایشان کاملاً تعریف شده است. اینها مأموریت شان همین است. همه جا هم نیستند، مگر در درگیری هایی که آن یگان امداد و آن نیروهای سرکلاتری ها نتوانند مأموریت شان را انجام بدهند، یگان ویژه معمولاً وارد عمل می شود. بله. آن ها تصاویر حمله به نیروی انتظامی و همان حوزه ۱۱۷ را که گفتم نشان ندادند و آن لحظه ای که بسیجی یک تیر زده، آن را به خانواده های ما نشان دادند که بله بسیج یعنی مردم را در مقابل مردم قرار داده اند. الان دشمن بیگانه هر اراده ای دارد، به راحتی در خانه اکثریت مردم می برد. میزان روشننگری ما ضعیف و عملیات روانی آن ها بسیار قوی است. با آخرین امکانات و تجهیزاتی که اینها دارند، سرمایه گذاری می کنند و ما در داخل نتوانستیم این عملیات روانی را خوب براساس آن واقعیت ها که در صحنه ها رخ داده، به مردم منعکس بکنیم. این یک واقعیت است.

من توصیه ام به شماها به عنوان یک برادر این است که شماها دست از دامن اسلام و اهل بیت (ع) بردارید. خودتان و خانواده تان تا زمانی که در مسیر اسلام و اهل بیت (ع) هستید، مصون هستید. در رویارویی با فتنه، همه باید پیرو راهنمای خودشان یعنی ولایت فقیه باشند. در غیاب حضرت امام زمان (عج) باید گوشه عبا و ولایت و رهبری را بگیرید که راه را گم نکنید. اگر پشت سر رهبری حرکت نکنید، دچار مشکل می شوید. یادواره ها، زنده نگه داشتن نام و یاد شهیدان و ارزش هاست. هر کجا دست تان رسید، نام و یاد شهیدان را باید زنده نگه دارید. حضرت آقا فرمودند که دوران جنگ ما یک گنج بود. هر چه ما جلوتر برویم، واقعاً می توانیم بهره بیشتری از این گنج ببریم. ما نتوانستیم حق شهدا را ادا بکنیم. ما هر چه داریم از شهداست. شهدا واقعاً چراغ هایی هستند که همه ما را هدایت می کنند.



این خانم از کوی دانشگاه خارج می شود تا وارد این خیابان فرعی شود و می آید با استادش صحبت می کند، به طور کامل فیلم برداری شده و در تلویزیون هم پخش شد. این ها اگر از قبل برنامه ریزی نشود، مگر امکان دارد تمام صحنه ها ضبط و ثبت شود. کاملاً مشخص است که یک فیلم برداری حرفه ای است. با برنامه قبلی مشخص کرده بودند که در کدام نقطه با کلت تیراندازی کنند و وقتی ایشان را می زدند، افرادی دورش جمع می شوند. وقتی از دهانش خون جاری می شود، همان جا را هم فیلم برداری و بعد او را سوار ماشین می کنند. مگر امکان دارد همین طوری به صورت ناگهانی فیلم برداری شده باشد؟ خیلی از جاها اغتشاشگران با ماشین به بچه های بسیج زدند و آن ها را شهید کردند. خیلی ها با تبر بچه های بسیج را زدند. این کلیاتی بود که می شد به آن اشاره کرد.

چرا جلوی اینها گرفته نمی شود؟

بنا به اظهار بزرگان ما، این فتنه یک فتنه عظیم بود. در فتنه عظیم گرد و غبار بلند می شود و تشخیص واقعیت ها سخت است. خیلی از سیاسیون ما که تجربه سنگین داشتند، خیلی از علمای بزرگ ما، بسیاری از خدمتگزارانی که در دوران انقلاب و در دفاع مقدس از همکاران ما بودند، مشکل دار شدند؛ از جمله فائزه هاشمی. ما فائزه هاشمی را گرفتیم. ما ما گفتند ایشان، دخترش و خانم آقای مرعشی و دو تا دختر هایش مردم را تحریک می کنند. فیلم و مصاحبه اش هم هست که ایشان می گوید تا هشت سالی که پدرم رئیس جمهور بود، اصلاً گوش به حرف آقا ندا. آن هشت سالی که آقای خاتمی رئیس جمهور بود، اصلاً گوش به حرف آقا ندا. این چهار سال، این کلاه آن کلاه شده احمدی نژاد، این قدر گوش به حرف آقا داده ... بچه ها وقتی دیدند او همه را تحریک می کند و شعار می دهد؛ دستگیرش کردند. کار سنگینی بود. کسی جرئت نمی کرد این کار را انجام بدهد.

ما داغ تر از شماها هستیم، منتها یک سلسله مراتبی داریم. به هر حال آن سلسله مراتب ما تعیین تکلیف می کنند که نهایتاً شورای عالی امنیت ملی که مصوباتش باید به تأیید حضرت آقا برسد، تصمیم می گیرند. ما هم اعتراض داریم و می گوئیم چرا سران شان را نباید بگیریم و آن دست چندی هایشان را دستگیر کنیم؟! ما هم با شماها هم نظر هستیم.

ورود بسیج برای کنترل اغتشاشات، همان صف آرای مردم مقابل مردم جلوه داده شده است. نظر شما چیست؟ نیروی انتظامی یگانی به نام یگان ویژه دارد. این یگان ویژه وظیفه اش مخصوص دفاع شهری ضد اغتشاشات است. آموزش دیده هم